



## مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

موضوع

مبانی فقهی - کلامی اندیشه سیاسی طالبان

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین آقای منصور میراحمدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر عبدالقیوم سجادی

محقق:

عبدالصمد متفکر

سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۲



کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی  
 شماره ثبت: ۵۶۵  
 تاریخ ثبت:

### اهداء

اثر حاضر را به ساحت مقدس سرداران آسمان و رسولان نیک پیغام، پیشوایان راستین کفن پوشان لیلۃ القدر علی (ع) مصلحان شور و شعور آفرین صاحبان اراده آهنین احیاگران مکتب توحید درود نوشتان ساغر شهادت به ویژه نخبگان و روشنفکران سرزمین پرافتخار میهن اسلامی، تقدیم می کنم.

## تشکر:

از ریاست محترم مرکز جهانی علوم اسلامی که چنین بستری را فراهم ساخته اند.

امور پایان نامه، استادان محترم راهنما و مشاور حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای منصور میر احمدی و جناب آقای دکتر سید عبدالقیوم سجادی و همه بزرگوارانی که در تدوین و تحقیق این رساله، نگارنده را یاری رسانده اند، کمال سپاس و قدر دانی را دارم، امید وارم که این پژوهش زمینه و اقدام باشد برای فعالیت بیشتر در راستایی خدمت به اسلام و مسلمانان جهان که رسالت مرکز جهانی علوم اسلامی همین است و بس.

## فهرست مطالب

۵	تشکر:
۶	چکیده
۷	مقدمه: طرح تحقیق
۷	سوال اصلی
۷	سؤالات فرعی
۸	سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۸	فرضیه ها
۸	اهداف تحقیق
۸	جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق
۸	روش تحقیق
۹	روش و ابزار گرد آوری اطلاعات
۹	سازمان دهی تحقیق
۱۰	فصل اول
۱۰	زمینه های فکری، شکل گیری، ظهور و سقوط طالبان
۱۱	اندیشه سیاسی
۱۲	مبانی کلامی
۱۳	مبانی فقهی
۱۵	زمینه های فکری طالبان
۱۷	زمینه های شکل گیری طالبان

۱۹	زمینه های ظهور طالبان
۱۹	اشاره:
۲۱	الف: زمینه های داخلی
۲۱	بحران جنگ داخلی.
۲۴	فقدان حاکمیت مرکزی.
۲۶	قوم محوری
۳۱	ب - زمینه های خارجی
۳۲	نقش پاکستان
۳۷	«اسپین بولدک آغاز یک تحول»
۴۰	اختلافات تاریخی افغانستان و پاکستان
۴۳	نقش آمریکا
۴۷	نقش عربستان
۵۵	مقابله با نفوذ ایران در افغانستان
۵۶	عوامل فرو پاشی طالبان
۵۶	«عملکرد خشن و فشار نظامی»
۵۸	تحجر گرای و عدم انعطاف پذیری
۶۱	وابستگی طالبان
۶۲	فساد مالی و اداری
۶۴	استبداد
۶۵	جمع بندی و نتیجه گیری کلی
۶۸	فصل دوم

۶۸	مبانی فقهی اندیشه سیاسی طالبان
۷۰	اختلافات
۷۲	کلام امیر المؤمنین علی (ع) در مورد سقیفه:
۷۵	اصطلاح اهل سنت
۷۶	تعریف خلافت
۷۸	راه رسیدن به خلافت
۷۹	مشروعیت نظام خلافت
۷۹	راه‌های بدست آوردن خلافت
۸۰	نظریه انتصاب
۸۲	تئوری انتخاب
۸۳	تعداد اهل حل و عقد
۸۶	تئوری انتخاب
۸۸	تئوری، تغلیب
۹۵	سازگاری حکومت طالبان با تئوری تغلیب
۹۸	سنت گرائی
۱۰۰	اجتهاد
۱۰۵	فصل سوم
۱۰۵	مبانی کلامی اندیشه سیاسی طالبان
۱۰۷	جبر گرائی و تقدیر گرائی در اندیشه سیاسی اشعری
۱۱۰	عامل سیاسی ترویج جبر گرائی
۱۱۳	اشعری و نظریه «کسب»

۱۱۵	اشعری و نظریه عدالت صحابه
۱۱۹	صحابه و اندیشه جبرگرائی
۱۲۰	اموی‌ها و اندیشه جبری‌گری
۱۲۳	طالبان و اندیشه وهابیت
۱۲۵	طالبان و جمعیت اخوان
۱۲۸	طالبان و باورهای دینی اخوان
۱۳۳	زن از نگاه قرآن و نظر دانشمندان
۱۳۵	فصل چهارم
Error! Bookmark not defined.	مؤلفه‌هائی اندیشه سیاسی طالبان
۱۳۶	سیاست از دیدگاه طالبان
۱۳۷	اختیارات خلیفه
۱۴۰	بایستگی‌های حاکم اسلامی
۱۴۳	اهداف نظام سیاسی از دیدگاه طالبان
۱۴۴	الف: نفی انتخابات عمومی
۱۴۵	«ب» فرار از قانون انسانی
۱۴۷	سلب آزادی‌های سیاسی اجتماعی
۱۵۱	راهکار تحقق اهداف سیاسی
۱۵۳	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی از مبحث حاضر
۱۵۶	نتیجه‌گیری از فصل سوم



## چکیده

ظهور جریان طالبان از وقایع معاصر افغانستان است که آن را از زاویه های گوناگون می توان بررسی کرد.

در این رساله مبانی فقهی - کلامی اندیشه سیاسی طالبان که محققان کمتر بدان پرداخته اند در حد توان مورد بررسی قرار گرفته است هرچند ابتدا زمینه های فکری و شکل گیری طالبان به خصوص نقش مکتب دیوبند هند و جمعیت العلما پاکستان و دخالت کشور های چون آمریکا، پاکستان و عربستان مورد بررسی قرار گرفته است عمده مباحث این پژوهش ناظر به مبانی فقهی - کلامی اندیشه سیاسی طالبان است در مبانی فقهی ضمن مباحث دیگری که صورت گرفته است سه تئوری به عنوان مطلب عمده به چشم می خورد: تئوری انتصاب، انتخاب و تغلیب دیدگاههای اعلام شده از سوی طالبان و عملکرد آنان سازگاری حکومت آن گروه را با تئوری تغلیب بیشتر نمایان می کند، در بعد کلامی با توجه به مبانی کلامی اشعری و همخوانی آن با حکومت طالبان نحوه سودجویانه حکومت های وقت چون بنی امیه و بنی عباس از مباحث کلامی است، که بر اساس آن تمام عملکرد های حکومتی را توجیه سیاسی می کردند که بدون شباهت با عملکرد طالبان نیست و در اخیر به مولفه های اندیشه سیاسی طالبان پرداخته شده است، که در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت: که اندیشه سیاسی طالبان مبتنی بر مبانی فقهی حنبلی و مبانی کلامی اشعری استوار می باشد.

## مقدمه: طرح تحقیق

در جهان اسلام تفکرات شیعه و اهل سنت، دو جریان اصلی اسلام خواهی را تشکیل می دهند. شیعه ها در کشور چون ایران توانست حکومت اسلامی را با ایده ها و آرمان های شان تشکیل بدهند. اما در جریان اهل سنت با اینکه از مدت های مدید است که تلاش برای چنین حکومتی صورت می گرفت ولی راهی بجای نمی بردند، مانند تلاش های که در زمان اخوان المسلمین در مصر انجام می دادند. لیکن این جریان در برحه از زمان در افغانستان چنین حکومتی را در قالب امارت اسلامی توسط گروه طالبان علوم دینی، حک تاریخ کردند. هر چند که این تلاش ثمره چندان بدست نیاور و با طوفان اندک عده ی به قصرها پر کشیدند و عده ای زمین گیر شدند ولی جای آن را دارد که در یک تحقیق مستقل، ماهیت چنین حکومتی عوامل ظهور و شکست آن به بررسی گرفته شود، هر چند علل و عوامل روی کار آمدن و سقوط این گروه توسط پژو هشگران محترم به تحلیل گرفته شده است، لیکن نوشتاری فرار و ضمن پرداختن به این عوامل، در صدد دست یابی به مبانی نظری اندیشه سیاسی مبانی کلامی فقهی آن گروه می باشد.

## سوال اصلی

مهمترین مبانی کلامی فقهی اندیشه سیاسی طالبان چیست؟

## سوالات فرعی

۱. طالبان چه کسانی بوده اند، ظهور و سقوط آنان در عرصه سیاسی افغانستان چگونه بوده است.
۲. مهمترین مبانی کلامی اندیشه سیاسی طالبان چیست؟
۳. مهم ترین مبانی فقهی اندیشه سیاسی طالبان چیست؟
۴. مهم ترین مؤلفه های اندیشه سیاسی طالبان چیست؟

## سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در مورد شکل گیری گروه طالبان، عوامل ظهور و سقوط و عملکرد آنان پژوهش های صورت گرفته است. لیکن در مورد اندیشه سیاسی با توجه به مبانی کلامی و مبانی فقهی، و ارتباط اندیشه سیاسی اهل سنت، با حکومت طالبان کاری انجام نشده است، لذا چنین تحقیق هرچند اندک نیاز خواهد بود.

## فرضیه ها

اندیشه سیاسی طالبان عمدتاً براساس مبانی کلامی اشعری و مبانی فقهی مکتب حنبلی استوار می باشد.

## اهداف تحقیق

هدف این پژوهش بررسی مبانی فقهی - کلامی اندیشه سیاسی طالبان و روشن شدن بنیان های فکری جریان که در برهه از زمان سرنوشت افغانستان را بدست گرفتند و نیز نشان دادن خطر اندیشه که موجب پیامد های منفی برای جهان اسلام خواهد داشت، می باشد.

## جنبه جدید بودن و نو آوری تحقیق

رویکرد پژوهش گران محترم پیرامون جریان گروه طالبان اکثراً رویکرد تاریخی سیاسی بوده است، لیکن این تحقیق، توجه بیشتر روی مسائل اعتقادی، آن جریان دارد؛ زیرا: مبانی کلامی و مبانی فقهی در بعد اعتقادی این جریان کمتر مورد تحقیق واقع شده است.

## روش تحقیق

روش توصیفی تحلیلی است، طبیعی است که در روش توصیفی تحلیلی، به توصیف مبانی و اندیشه سیاسی و تحلیل آنها براساس آثار، و به تحلیل اصول و مؤلفه های اندیشه سیاسی و تحلیل آنها، به منظور دستیابی به مبانی کلامی فقهی آن پرداخته خواهد شد.

## روش و ابزار گرد آوری اطلاعات

روش گرد آوری اطلاعات کتابخانه ای بوده و از منابع قابل دسترس اعم از متون و آثار قدیمه، کتب، مجلات، نشریات و روزنامه‌های که در ارتباط با بحث حاضر تدوین گردیده استفاده شده است.

## سازمان دهی تحقیق

برای پاسخ گویی به سئوالات فرعی پژوهش حاضر در یک مقدمه و چهار فصل اصلی، و چندین عنوان تنظیم شده است،

فصل اول: این فصل در سه بخش مفاهیم زمینه های فکری و زمینه های شکل گیری با عناوین داخلی و خارجی، وقایع دوران حکومت طالبان را به بحث می گذارد.

فصل دوم: مبانی فقهی اندیشه سیاسی، طالبان شامل، تعریف خلافت، مشروعیت نظام خلافت، تئوریهای چون انتصاب و انتخاب و تغلیب، و سازگاری حکومت طالبان با آن را بررسی می کند،

فصل سوم: مبانی کلامی اندیشه سیاسی طالبان در عناوین زیر پیگیری شده ۱- جبر گرایی در اندیشه سیاسی اشعری ۲- عامل سیاسی جبر گرایی ۳- اشعری و نظریه عدالت صحابه ۴- صحابه و اندیشه جبر گرایی ۵- طالبان و اندیشه وهابیت ۶- طالبان و جمعیت اخوان...

فصل چهارم: مولفه های اندیشه سیاسی طالبان، شامل سیاست از دیدگاه طالبان، اختیارات خلیفه حاکم، بایستگی های حاکم اسلامی، اهداف نظام سیاسی از دیدگاه طالبان و در پایان نتیجه گیری کلی از بحث حاضر انجام شده است.

# فصل اول

زمینه‌های فکری، شکل‌گیری، ظهور و سقوط طالبان

مطالب این فصل، در محورهای زیر به بحث گذاشته می‌شود.

۱. مفاهیم کلیدی
۲. زمینه‌های فکری و شکل‌گیری طالبان
۳. زمینه‌های ظهور طالبان
۴. زمینه‌های سقوط طالبان

### اندیشه سیاسی

این مفهوم مرکب از دو واژه «اندیشه» و «سیاست» است. در اینجا ابتداء به بررسی هریک به صورت جداگانه می‌پردازیم.

مفهوم اندیشه، شامل علم، نظریه، عقیده، دکترین و ایدئولوژی می‌باشد، همچنین می‌توان هر فیلسوف، دانشمند نظریه پرداز و ایدئوژیک را اندیشه مند دانست<sup>۱</sup>

اصطلاح «سیاست» بیان‌گر هر امری است که به «سیاست» به مفهوم عام مرتبط می‌گردد، خواه سیاست را اصلاح امور خلق و اراده خلق و اداره کردن کارهای مملکت، مراقبت امور داخلی و خارجی کشور، رعیت داری... بدانیم و پادشاه دولت و حکومت، قدرت سیاسی و اقتدار، در هر حال امر سیاسی، امری است که به چگونگی روابط و اداره جامعه سیاسی، آدمیان به عنوان اعضاء این جامعه و استقرار و توزیع قدرت حاکمیت مربوط می‌گردد<sup>۲</sup>

با توجه به آنچه بیان شد اندیشه سیاسی مفهومی است عام و کلی که بیانگر هر نوع تفکر و اندیشه منسجم و دارای چارچوب است که در مورد امری

<sup>۱</sup> محمد حسین جمشیدی، اندیشه سیاسی شهید الرابع امام سید محمد باقر صدر، قرآن انتشارات،

وزارت خارجه، ۱۳۷۷ ص ۱۴

<sup>۲</sup> همان منبع ص ۱۵

سیاسی می‌باشد، اندیشه سیاسی به این معنا شامل مجموعه نظریه‌ها آراء عقائد دکرین و ایدئولوژی سیاسی است. ایدئولوژی سیاسی، نیز نظام عقیدتی سیاسی خاص است که می‌تواند براساس جهان بینی و هستی شناسی باشد و یا اینکه بر مبنای خاص تدوین نشده باشد. دکرین سیاسی نیز به مجموعه از اصول و خط مشی‌ها و افکاری سیاسی است که براساس اصول معینی به وجود آمده است<sup>۱</sup> و همچنین ریمون آردن، نیز درباره مفهوم اندیشه سیاسی تعریفی دارد که می‌گوید اندیشه عبارت اند از کوشش برای عین اهدافی که به اندازه معقول احتمال تحقیق دارد و تعیی ابزارهای که در حد معقول می‌توان انتظار داشت. که موجب دست یابی به آن هدف شود. حسین بشیریه تعریف فوق را تکمیل کرده است. به نظر وی «در تکمیل این تعریف باید گفت که اندیشمند سیاسی کسی نیست که صرفاً دارای مجموعه از اهداف و آراء باشد و ابزارهای رسیدن به آن اهداف را بدست بدهد بلکه باید بتواند در باره عقائد خود به شیوه‌ای عقلانی و منطقی استدلال کند تا حدی که اندیشه سیاسی او دیگر صرفاً آراء و ترجمات شخصی به شمار نرود<sup>۲</sup>

### مبانی کلامی

این مفهوم مرکب از دو واژه «مبانی» و «کلام» است. مبانی جمع مبنا است و مبنا محل بنا و ریشه‌ای چیزی، پایه و بنیان هر چیزی را گوید. واژه کلام در زبان عربی به معنای سخن است. واصطلاحاً شرح اصول لا یتغیر الهیات است که در لا هوت مسیحیت از «کلمه» یعنی لو گوس *iheoligy* گویند، به معنای خدا شناسی است و در زبان عربی آن را به علم لا هوت ترجمه

<sup>۱</sup> همان ص ۱۶

<sup>۲</sup> حسین بشیریه، تاریخ اندیشه سیاسی در قرن بیستم، اندیشه سیاسی مارکسیستی، قرآن نشری، ۱۳۷۶، ص ۱۶

کرده اند»<sup>۱</sup>. و لاهیجی عبدالرزاق، در کتاب، شوارق الالهام ص ۳ و ۸، کلام را چنین تعریف نموده است: «کلام دانش است، که به استنباط، توضیح، تنظیم، و اثبات عقائد اسلام و دفاع از آن می پردازد.»

چون علم کلام بر اساس منطق و فلسفه و استدلال است. بنابراین چه در مسیحیت و چه در اسلام متکلمان، منطق و فلسفه را برای تحکیم مبانی دینی و اثبات عقائد دین الهی خود در استخدام گرفته است، از این جهت گوید: فلسفه باید خادم الهیات باشد و الا جز سفسطه چیزی نیست»<sup>۲</sup>.

خلاصه، متکلمان برای اثبات عقائد خود از نیرو عقل و استدلال فلسفی مدد می گرفتند تا طرف مقابل را اقناع کرده و او را برای پذیرش ادله خود وادار کند

### مبانی فقهی

این مفهوم مرکب از دو واژه است، «مبانی» و «فقهی». در این جا نخست به بررسی هریک بصورت جداگانه می پردازیم.

مبانی: مبانی جمع مبنا است و مبنا محل بنا و ریشه چیزی، پایه و بنیان هر چیزی را می گوید.

و فقه، در لغت به معنای فهم است، چنان که در آیهی قرآن آمده است. «قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيراً مِمَّا تَقُولُ» یعنی بسیاری از آنچه می گویی نمی فهمیم و درک نمی کنیم، و همین واژه در اصطلاح فقها، به معنای آشنائی به احکام فرعی شرعی است که از راه ادله تفصیلی آن یعنی قرآن و سنت اجماع و عقل بدست می آید.

<sup>۱</sup> جواد مشکور، سرکلام در فرق اسلامی

<sup>۲</sup> تاریخ فلسفه در جهان اسلام، مترجم، دکتر عبدالحمید آیتی، ص ۱۴۱ و ۱۴۵



و در متون و منابع شرعی، همان زمینه‌های است که بیان شارع و نظرگاه اصلی او را در آن می‌توان یافت و مورد شناسائی قرار داد. بی تردید معتبرترین متن اصیل و منبع شریفی که می‌توان بدان مراجعه کرد. قرآن می‌باشد. که در موارد چند به «فقه و تفقه» و محتوی آن تصریح کرده است.

فقه در دین به گونه ای که می‌توان به وسیله آن جامعه را از کجی‌های عقیده‌تی، عملی و فکری برحذر داشت، در مجموع تمام معارف اسلامی می‌گنجد و در چار چوب احکام شرعی فرعی عملی محصور نمی‌گردد.

در روایات معصومین (ع) نیز فقه و حتی تفقه در دین، دارای میدان گسترده ای است از جمله: عن رسول الله (ص) قال: « قَالَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ زَهْدَهُ فِي الدُّنْيَا وَبَصْرَهُ عُيُوبَهُ»<sup>۱</sup>

روایات دیگری که می‌رساند فقاقت در محدودیه شناخت احکام شرعی فرعی نمی‌گنجد بلکه فقهی که قرآن و معصومین (ع) ما را بدان فرا می‌خوانند آن نوع شناختهای است که اعم از شناخت احکام شرعی فرعی عملی است، فقهی است که مایه زهد و شناخت کاستی‌های نفس خویش است، فقهی است که در قلب آدمی بهاری از معرفت خدا می‌آفریند، فقهی است که نه یاس از آن می‌تراود و نه تجری می‌کشد و بدیهی است که بحث خود شناسی و یاس و تجری از جمله مباحث مربوط به مسائل شرعی فرعی عملی نیست و در دایره گسترده تری از معارف الهی می‌گنجد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کبر الاعمال ج ۱ ص ۲

<sup>۲</sup> ادوار الفقه و کیفیت بیان آن، محمد ابراهیم جناتی. چاپ اول ۱۳۷۴

## زمینه های فکری طالبان

اگر قائل به یک پایگاه ایدئولوژیک برای این گروه بشویم. به این نکته خواهیم رسید که شکل افراطی گری این گروه بیشتر از همه هم خواه و هم سوء با مکتب «دیوبندی»ها خواهند بود. چه اینکه دیوبندی ها به عنوان یک شاخه سنی حنفی در افغانستان سابقه داشته است، چنانکه احمد رشید روزنامه نگار شهیر پاکستانی چنین برداشت را دارد. وی می گوید: طالبان در افغانستان واقعاً منحصر به فرد هستند. آنان جز برداشت خاص خود شان از اسلام. هیچ نوع تفسیر دیگری را قبول ندارند اما آنان در عین حال دارای یک پایگاه ایدئولوژیک هستند و آن عبارت از شکل افراطی گری جنبش دیوبندی ها است. که توسط احزاب اسلامی پاکستان در اردوگاه های مهاجرین افغانی در پاکستان تبلیغ می شدند. و دیوبندیسم، به عنوان یک شاخه سنی حنفی در افغانستان سابقه داشته است که نظریه پردازان اصلی آنان را محمد قاسم تنطاوی و رشید احمد کنکوهی، تشکیل می دهند و اولین مدرسه اش را در دیوبند واقع در هند مرکزی تأسیس کرده و آنها می خواستند نسل جدید و آموزش دیده تربیت کنند که براساس آگاهی تجربیات شریعت و طریقت ارزش های اسلامی را احیاگر باشند و در نظر داشتند با تدریس نحو تفسیر شریعت متون کلاسیک دینی را با واقعیت های موجود سازگار سازند. «دیوبندی»ها با کلیه اشکال سلسله مراتب در جامعه اسلامی مخالفت کردند و برای زنان نقش قائل نبودند و مذهب شیعه را قبول نداشتند. اما طالبان این دیدگاه را با چنان افراطی گری و دگم اندیشی مطرح کردند که دیوبندی های اولیه را به فراموشی می سپارند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. احمد رشید، طالبان اسلام، نفت، بازی بزرگ و جدید، مترجمان، اسدالله شفاهی و صادق باقری فصل ۶ رص ۱۴۳

بدین ترتیب اگر با این دید به مفکوره و عمل کرد طالبان نگاه بکنیم، این گروه سخت تحت تأثیر افکار مکتب دیوبندی که عبارت از خشونت در برپای شریعت و جزم نگری بگونه‌ای که یک قشر خاص از جامعه را با عنوان زن بودن، از تمام صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دنیای امروز حذف کرده و عملاً آنان را در زندان بنام خانه انداخته است. و سرانجام ضدیت شدید با شیعیان می‌باشد قرار گرفته است و این عمل کرد درحالی دیده می‌شود که این گروه از خود هیچ نوع نواندیشی که نشان‌گر اندیشه نوین، از طرفی توجیه‌گر عمل کرده‌های آنان باشد را نداشته و ندارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که طالبان از یک پایگاه ایدئولوژیک برخوردار نیستند، زیرا از یکسو مایه فکری آنان را مکتب دیوبندی رقم می‌زند و از سوی دیگر اندیشه نوین که بازتاب عملی افکار مکتبی آنان را نشان دهد در آن‌ها مشاهده نمی‌شود و از این رهگذر می‌توان دریافت که اولاً مکتب دیوبندی به‌عنوان پایگاه فکری آنان بازی‌گری صحنه سیاسی اجتماعی و حتی فرهنگی جامعه افغانستان می‌باشد و ثانیاً، جمعیت العلماء پاکستان نقش مهم و عمده را در به وجود آوردن آنها بر روی صحنه داشته است و بیشتر از محققان هم این امر را تأیید می‌کنند.

بیشتر از محققان نقش جمعیت العلماء که رهبری آن را مولانا فضل الرحمن، به‌عهده داشته در شکل‌گیری و حمایت‌های سیاسی فکری از طالبان مورد اذعان قرار داده است. بیشتر طلاب علوم دینی اهل سنت که اینک از رهبران این جنبش هستند در مدارس جمعیت العلماء تحصیل کرده‌اند و ارتباط

فکری طالبان با آموزهای دینی مکتب دیوبندی، از طریق این جمعیت به انجام رسیده است.<sup>۱</sup>

### زمینه های شکل گیری طالبان

دراینکه حلقه اولیه جنبش طالبان در کجا شکل گرفت و چه چیزهای باعث به وجود آمدن چنین جریان شد، نظریات متفاوت ارائه شده است، عده ای زمینه های داخلی و خارجی را در شکل گیری آنان دخیل می داند؛ زیرا در بعد داخلی پیش از سقوط دکتر نجیب الله، رییس دولت وقت افغانستان، جنگ های خونین داخلی براه افتاد بگونه ای که هرگروه حزب ادعای حکم رانی و ریاست دولت آینده افغانستان را داشتند بدون آنکه توجه به ساختار قدرت سیاسی در جامعه ای چون افغانستان که عده ای در اقلیت و عده ای در اکثریت قرار دارند، داشته باشند و اندیشه هرگروه آن بود که مناطق تحت تصرفش را گسترش بدهد و این نزاع های خونین باعث شد که عده ای از طلاب علوم وارد میدان سیاست شوند.

اما بعد خارجی، کشورهای چون پاکستان، امریکا، عربستان سعودی و انگلستان، هرکدام به نحوی در تلاش بودند تا در این جنگ قدرت برندگی بیشتری داشته باشد، پاکستان چون در همسایگی افغانستان قرارداد از یک سو و از سوی دیگر هم مرز با پاکستان است و رابطه زبانی با عده ای اکثریت افغان ها دارند، در تلاش بوده که تازمینه فراهم شود که از طرفی مرز پاکستان در امنیت باشد و از طرفی منافع شان تأمین شود و هم چنان امریکا، زیرا امریکا در تعارض شان با شوروی سابق، برای اشغال افغانستان شکست بزرگ را متحمل شده بود و اینک سعی دارند تا تجربه تلخ تاریخی دیگر تکرار نشود و طالبان

<sup>۱</sup> عبدالقیوم، سجادی، جامعه شناسی افغانستان، ناشر، بوستان کتاب قم، قیه، مؤسسه آموزشی باقر العلوم، چاپ اول